

تحلیل و بررسی توسعه فناوری و اهداف اقتصادی دولت اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۸)

مصطفی طاهریان

چکیده

تعیین اهداف دولت در اقتصاد اسلامی و رتبه بندی اهداف مزبور، تاثیر زیادی در سیاست گذاری های اقتصادی دارد. اصیل ترین هدف حضور و فعالیت دولت اسلامی، زمینه سازی برای تحقق رشد معنوی است اما اموری دیگر جهت تحقق این هدف اصیل، به صورت اهداف مقدمی مطرح می شود که یکی از این امور، گسترش علم و دانایی در بستر فرهنگ دینی می باشد. دولت اسلامی برای تحقق این امر بایستی اقدامات متعددی از جمله برپایی و گسترش نظام آموزش عمومی در جهت ارتقای فرهنگ دینی و زمینه سازی برای رفع فقر انجام دهد. تحقیقات روی تجربیات جوامع مختلف نشان می دهد توسعه متوازن و پایدار در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، مبتنی بر توسعه علوم و فناوری است. علاوه بر آن امروزه فناوری یکی از مهمترین پایه های اساسی رشد و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می شود.

۱۱۰۳





بخش اول: کلیات

از مطالعه آیات و روایات و دیگر منابع دینی می‌توان توسعه رفاه، توسعه معنویات، برپایی عدالت و رسیدن به قدرت اقتصادی را اهداف اقتصادی دولت اسلامی دانست.

۱. توسعه رفاه: خداوند، همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند، و نه‌رها را مسخر شما ساخت، و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند، به تسخیر شما درآورد، و شب و روز را مسخر شما کرد و از هر چیزی که از او خواستید [= نیازمند بودید] به شما داد و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد (ابراهیم، آیات ۳۲-۳۴). مطابق این آیه، خداوند نعمت‌های فراوان و مناسب نیاز انسان‌ها را آفرید و آن‌ها را مسخر انسان کرد تا بتواند زندگی مناسب شأن و کرامت خود به پا دارد. بر این اساس، یکی از اهداف دولت اسلامی در جایگاه خلیفه خدا روی زمین، تحقق بخشیدن غایات الهی و رساندن جامعه به رفاه مطلوب اسلامی و قرآنی است.

۲. توسعه معنویات: دولت اسلامی در جایگاه خلیفه خدا روی زمین نمی‌تواند در برابر تحولات اخلاقی جامعه و میزان تقید آن به انجام معروف‌ها و دوری از منکرات بی‌تفاوت باشد؛ بلکه بر عهده دولت اسلامی است که از سلامت روحی مردم مراقبت کرده، به فکر توسعه معنویات باشد و از آن جا که بخشی از تعالی معنوی انسان‌ها در سایه رفتارهای خاص اقتصادی است، دین اسلام به انحای گوناگون می‌کوشد رفتارهای مادی افراد را رنگ معنوی دهد.

۳. برپاداشتن عدالت: رفتار انسان‌ها به ویژه در مسائل معیشتی و مادی تحت تأثیر شدید صفات فردگرایی و زیاده‌خواهی‌های افراطی است و این سبب می‌شود هر کسی که قدرت و امکانات بیش‌تری دارد، بر دیگران سلطه مستمر داشته باشد. سلطه سیاسی و اقتصادی گروهی اقلیت و به استثمار و استعمار کشیده شدن اکثریتی انبوه در طول تاریخ بشر در همه مکان‌ها،

شاهد گویای این مدعا است. برای جلوگیری از چنین وضعیتی، یکی از اهداف دولت اسلامی جلوگیری از ستم اجتماعی و برپاداشتن عدالت، به ویژه در ابعاد معیشتی و اقتصادی است.

۴. قدرت اقتصادی جامعه اسلامی: بر خلاف تصور برخی که تحت تأثیر مکاتب انحرافی، جامعه دینی را به ترک دنیا و مواهب الهی متهم می‌کنند، خداوند متعالی امنیت و توانایی اقتصادی را از شاخصه‌های بارز جامعه ایمانی و در مقابل، فقر و ناامنی را نتیجه عصیان و کفران می‌داند. خداوند [برای آنان که کفران نعمت می‌کنند] مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود، و همواره روزی‌اش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به سبب اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید (نحل، آیه ۱۱۲). در دیگر مکاتب اقتصادی هدف نظام اقتصادی، گسترش رفاه مادی و توسعه اقتصادی است. اگر دولت در اقتصاد حضور می‌یابد به جهت تحقق رفاه مادی، و رفع کمبودهای نظام بازار برای تحقق رفاه عمومی است. رفاه مادی با امنیت و رشد تحقق می‌یابد؛ بنابراین باید تمام برنامه‌ریزی‌ها، سازماندهی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌ها در اقتصاد اسلامی در جهت تحقق سعادت معنوی قرار گیرد و دولت نیز در همین مجموعه معنا می‌یابد. اقتصاد هدف نیست؛ بلکه وسیله تحقق اهداف بالاتری است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی شمرده می‌شود و ابزارها و اهداف آن غیراخلاقی نیست و نمی‌تواند مانع تحقق رشد معنوی شود. در دیگر مکاتب، تحقق رشد معنوی اصل نیست و تأکید اصلی بر تحقق رفاه مادی و توسعه است.

بخش دوم: دولت اسلامی و توسعه فن آوری

بند اول: اسلام و علم

مراجعه به منابع اصیل اسلامی کاملاً آشکار می‌نماید که فرهنگ اسلامی نه تنها با پیشبرد فکر و تکنولوژی در تعارض نیست، بلکه همانند آن چه در مغرب زمین رخ داد، می‌تواند بزرگ‌ترین و بالاترین نقش را در این زمینه ایفا کند. اسلام بر کسب دانش تأکید فراوان دارد و آن را فریضه و تکلیف الهی برای همگان^۱ و از هر نقطه ممکن^۱ قرار داده است و صرف نظر از

۱. پیامبر اکرم (ص): طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷).





نتایج مادی و اقتصادی، با ملاحظه آیات و روایات می بینیم که رشد و تعالی علمی از نظر اسلام مطلوبیت ذاتی داشته، امری مقدس و ارزشمند است. در سخنان پیشوایان معصوم، علم چراغ روشنگر عقل^۲، سودمندترین گنج^۳، گمشده فرد با ایمان^۴، بهترین وسیله هدایت^۵، سرچشمه ی تمام خوبی ها^۶، مایه حیات اسلام^۷، بهترین میراث پدران برای فرزندان^۸، و وسیله اطاعت و بندگی خداوند متعال و معرفت او معرفی شده است^۹ و کسب دانش تا آنجا مورد تاکید و تشویق اولیای الهی است که چهارمین امام معصوم حضرت سجاد(ع) در این باره می فرمایند: اگر می دانستید با تحصیل دانش به چه سعادت هایی نایل می شوید، به دنبال آن می رفتید؛ هرچند به این که خون شما در این راه ریخته شود یا مستلزم این باشد که به دریاها وارد شده، مسیر اقیانوس ها را بپیماید.^{۱۰}

بنابراین، افراد جامعه اسلامی باید در فراگیری و به کارگیری آخرین دستاوردهای علمی روز پیشتاز بوده، از این جهت نیازمند و وابسته به بیگانگان نباشند؛ زیرا رشد علمی جامعه باعث پرورش نیروهای انسانی کارآمد و با کفایت می شود و با شکوفایی استعدادها و بروز ابتکار، زمینه استفاده بهینه از منابع فیزیکی فراهم می آید و در نتیجه پیمودن فرآیند رشد و توسعه اقتصادی جامعه تسریع خواهد شد. شایان ذکر است که گسترش دانش در سطح جامعه و تربیت نیروهای دانشمند و متخصص، در صورتی پیشرفت اقتصادی مطلوب و مورد نظر اسلام را در

۱. پیامبر اکرم(ص): اطلب العلم و لو بالصین (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷).

۲. امام علی(ع): العلم مصباح العقل (محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ح ۱۳۳۴).

۳. امام علی(ع): لا کنز انفع من العلم (همان، ح ۱۳۳۵۲).

۴. امام علی(ع): العلم ضالة المؤمن (همان، ح ۱۳۳۵۰).

۵. امام علی(ع): العلم افضل هداية (همان، ح ۱۳۳۴۳).

۶. پیامبر اکرم(ص): العلم رأس الخير كله والجهل رأس الشر كله (همان، ح ۱۳۳۷۶).

۷. پیامبر اکرم(ص): العلم حياة السلام و عماد الدين (همان، ح ۲۸۶۶۱).

۸. امام صادق(ع): ان الخير ما ورث الابهاء الادب لالامال فان المال يذهب والادب يبقى قال مسعدة یعنی بالادب العلم (همان، ح ۱۳۴).

۹. امام صادق(ع): ... بالعلم يطاع الله و يعبد الله، بالعلم يعرف الله و يوحد (همان، ح ۱۳۳۸۳).

۱۰. ولو علمتم ما فی طلب العلم اطلبتموه ولو بسفک المہج و خوض الجح (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۶).

پی دارد که دانش و تخصص همراه با تعهد و مسوولیت پذیری و فضائل اخلاقی و انسانی باشد؛ زیرا دانش بشری اگر با تعهد و اخلاق همراه نباشد، از مسیر انسانی خود خارج شده، به صورت ابزاری برای سلطه جویی و قدرت طلبی و تصاحب بیشتر منابع ثروت در می آید (خلیلیان، ۱۳۸۴: ص ۲۴۹-۲۵۰) بر اساس متون دینی یکی از اهداف دولت اسلامی گسترش فرهنگ دینی، علم و دانایی (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۰، ص ۳۹-۴۱، ص ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۵۲، ص ۳۲۸، ص ۳۳۶) است. دولت برای تحقق این هدف باید اقدامات متعددی از جمله برپایی نظام آموزش عمومی جهت ارتقای فرهنگ دینی و تصحیح روابط اجتماعی (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹)؛ و زمینه سازی برای رفع فقر (مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۵۲، ص ۳۹۰) انجام دهد.

بند دوم: دولت، توسعه فناوری و رشد اقتصادی

منظور از توسعه فناوری فرآیند کلی تقویت قابلیت‌ها، ایجاد فناوری و نیز ارتقای سطح آن در جامعه است. توسعه فناوری ملی علاوه بر ایجاد رشد اقتصادی، دارای ارتباط قوی و موثری با بنیانهای فرهنگی و اجتماعی می باشد که از جمله آنها اثر بر وضعیت اشتغال، بهداشت و زندگی مردم نام برد (صفوی و صفوی، ۱۳۸۱). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سطح دانش و تخصص لازم به عنوان عنصر اساسی در توسعه و پیشرفت فناوری، در سطح نازلی قرار دارد. با وجود آنکه در همه کشورها، افزایش سطح آگاهی عمومی و آموزش سطوح ابتدایی تا عالی و تخصصی از وظایف دولت محسوب می شود ولی با توجه به نیازهایی که برای توسعه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، ضرورت دخالت دولت بیشتر احساس می شود. توسعه فناوری بدون نهادهای تحقیق و توسعه امکان پذیر نیست و منظور از توسعه فناوری، توسعه در سطح یک واحد تولیدی نیست، بلکه توسعه به معنای عام آن است که بدون استقرار نهادهای پژوهشی در واحدهای صنعتی و نهادهای آموزشی و گسترش و ارتباط مستمر بین صنعت و دانشگاهها و از مهمتر علاقه دولت به پیشرفت، امکان پذیر نخواهد بود. در هر کشور و سازمانی می بایست عوامل و شرایط تاثیر گذار بر توسعه فناوری را در نظر گرفت،



معمولا این عوامل موثر در توسعه فناوری زیر بناهای فناوری گفته می شوند. در واقع جستجوی فناوری تنها زمانی برای یک کشور و یا سازمان معنا دارد که خود را با این زیر بناها مجهز کرده باشد. اهم این عوامل عبارتند از:

- موسسات تحقیق و توسعه
- نقش دولت و بخش خصوصی در توسعه فناوری (حضور موثر دولت و بخش خصوصی در این زمینه)
- توسعه نیروی انسانی

از میان عوامل یاد شده، شاید بتوان موسسات تحقیق و توسعه را مهمترین عامل زیر بنای فناوری دانست، و معمولا" گفته می شود که قابلیت فناوری کشورها را موسسات تحقیق و توسعه تشکیل می دهند. از آنجایی که تأسیس این مؤسسات برای شرکتها در کشورهای در حال توسعه همواره با توجه اقتصادی امکان پذیر نیست، نقش دولت در راه اندازی این مؤسسات و حمایت از آنها چشمگیر بوده است و ضرورت دارد. به عبارت دیگر، تحقیق و توسعه، پایگاه اصلی نوآوری و تغییرات فنی در فرآیند تولید است و از این رو نقش بسزایی را در افزایش ظرفیت های تولیدی جامعه و یا رشد اقتصادی آن جامعه دارند. در این راستا، جهت برآورد اثر توسعه فناوری بر رشد اقتصادی ایران از متغیرهای مخارج R&D و سرمایه انسانی به صورت از هم تفکیک شده طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۴ استفاده می شود.

بخش سوم: سیاست کلان رشد و توسعه اقتصادی به نفع عموم مردم

شهید صدر بر این اعتقاد است که رشد اقتصادی از موارد مورد اتفاق هر سه مکتب اقتصادی سرمایه داری، مارکسیسم و اسلام می باشد، هر چند این مکاتب از لحاظ شیوه یا راهبرد رشد با یکدیگر اختلاف دارند. به طور مثال، راهبرد سرمایه دارانه رشد اقتصادی مبتنی بر آزادی اقتصادی است، در حالی که راهبرد اسلامی رشد مبتنی بر آزادی اقتصادی در کادر محدود، عدالت اقتصادی و توجه به انسان به عنوان وسیله و هدف رشد اقتصادی است. بنابراین، رشد اقتصادی، افزایش ثروت و بهره مندی از طبیعت تا حد امکان از نظر مکتبی، هدف جامعه

اسلامی دانسته شده است و با توجه به این موضوع و سایر شرایط عینی و اجتماعی، دولت اسلامی سیاست کلان رشد اقتصادی را تعیین می کند و حکومت اسلامی موظف به اجرای آن خواهد بود. شهید صدر وظایف دولت اسلامی را در قبال زندگی اقتصادی عموم مردم و بهره مندی همه آحاد ملت از ثمرات رشد اقتصادی، سه مطلب عمده می داند. به عبارت دیگر، مداخله دولت در امور تولید اقتصادی به طور عمده در سه چیز است:

اول: تضمین و تعیین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری، چون مکانیسم بازار به تنهایی پاسخ گو نیست.

دوم: تعیین اهداف کلی سیاست رشد اقتصادی تا رشد اقتصادی همراه با عدالت اقتصادی و معنویت حرکت کند. بنابراین، دولت اسلامی بر اساس این اهداف کلی، برای دوره های پنج تا هفت ساله برنامه ریزی می کند.

سوم: کنترل و نظارت بر بخش اول اقتصاد کشور (یعنی تولید مواد اولیه طبیعی، کشاورزی و معادن) و از این طریق بر بخش دوم و سوم اقتصاد یعنی صنعت و خدمات.

از آن جا که مالکیت دولتی بر انفال و ثروت های طبیعی وجود دارد و به دلیل این که تملک این ثروت ها مشروط به مباشرت در کار است، تولید ثروت های طبیعی و صنایع استخراجی باید طبق مقررات قانونی صورت بگیرد، و تنها از این طریق است که تأسیس واحدهای بزرگ اقتصادی برای بهره برداری های طبیعی و گماردن آنها در خدمت جامعه مجاز و مشروع تلقی می شود. لذا دولت با کنترل و نظارتی که بر صنایع استخراجی و تولید مواد اولیه خام دارد، خواهد توانست به طور غیرمستقیم، شعب مختلف تولید را زیر نظر داشته باشد. این امر امکان مشارکت گسترده عموم مردم در تولید و کاهش توزیع ناعادلانه ثروت و حذف انحصار را فراهم می آورد.

بخش چهارم: دخالت مسئولانه دولت در بازار

از نظر شهید صدر یکی از پایه های اساسی هر نظام اقتصادی مبادله است که از نظر اهمیت، کم تر از تولید و توزیع نیست، ولی از نظر تاریخی پس از آن دو قرار دارد؛ زیرا تولید و توزیع





همواره با وجود اجتماعی انسان مقرون بوده است اما مبادله در جوامع ابتدایی با یک اقتصاد بسته خانوادگی، وجود نداشت. به تدریج که تقسیم کار به وجود آمد، در جوامع برای گشایش و رفاه زندگی و پاسخ گویی به گسترش نیازها و ره سپردن تولید به سوی تخصص و تکامل، مبادله مطرح شد و گسترش یافت. مبادله نقش واسطه بین تولید و مصرف یا بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را ایفا می کرد. در عصر مبادلات تهاتری (پایاپای) تعادل در بازارها وجود داشت و مشکل و انحرافی در مبادله از لحاظ ایفای نقش واسطه بین تولید و مصرف نبود؛ زیرا هر تولید کننده ای برای برآوردن نیازهای خویش و برای آن که مازاد تولیدش را با کالاهای دیگر مبادله کند، تولید می کرد. بنابراین، عرضه همیشه تقاضای مساوی خود را می یافت و در نتیجه، ارزش‌های بازار در سطح درجه طبیعی خود قرار می گرفت و بازگو کننده ارزش‌های حقیقی کالاها و اهمیت واقعی آن‌ها در زندگی مصرف کنندگان بود. اما پس از آن که عصر پول آغاز و بر بازرگانی مسلط شد، ظلم انسان به مبادله نیز سرایت کرد، تا آن جا که مبادله دگرگون شده و به جای این که واسطه بین تولید و مصرف باشد تا رفاه مردم تأمین شود، واسطه بین تولید و پول اندوختن شد؛ به طوری که مقصود از تولید و فروش، اندوختن پول و توسعه ثروت گردید، نه برآوردن نیازها و در نتیجه، توازن عرضه و تقاضا مختل و عدم تعادل در بازارها آشکار گردید. احتکار و انحصار در بازار، نقش اصیل مبادله را برهم زده و تضاد بین عرضه و تقاضا را تعمیق می بخشند. انگیزه سرمایه داران بزرگ از تولید و فروش، سرازیر کردن پول در گردش جامعه به ویژه سکه‌های طلا و نقره به انبار گنج‌های خویش است. آن‌ها پول در گردش (طلا و نقره) را به تدریج مکیده و مبادله را از وظیفه خویش که واسطه بین تولید و مصرف است، باز می دارند. در عصر جدید و در مبادلات سرمایه داری نیز تجارت از وضع طبیعی و درست آن که ناشی از حاجت‌های عینی و منطقی بشر بوده، منحرف شده است. به جای آن که انتقال کالا از نقطه ای به نقطه دیگر صورت گیرد و مرحله پایانی فرایند تولید (یعنی مبادله) منفعت جدیدی برای کالا ایجاد کند تا مصرف کننده از آن بهره برداری کند و مبادله کننده (تاجر) هم سودی ببرد، مبادله و تجارت تغییر ماهیت داده و سود ناشی از آن فقط به خاطر عقود به ظاهر قانونی ای است که موجب انتقال مالکیت را فراهم می‌آورند. لذا در

تجارت سرمایه داری گاهی عملیات به ظاهر قانونی انتقال مالکیت، بدون آن که کالا و خدمات تازه ای بوجود آمده باشد، به دفعات - به تبع واسطه ها - نسبت به کالای واحدی انجام می شود؛ در نتیجه، بسیاری از این طریق سود می برند. بدیهی است که اسلام فعالیت های تجاری را که به شیوه ای که در نظام سرمایه داری رایج است، محکوم می کند؛ زیرا عملیات مزبور با اعتقاد اسلام از مبادله که آن را جزئی از فرآیند تولید می داند، منافات دارد. لذا اسلام همواره شرایط مبادله و تجارت را بر اساس نظریه مخصوص به خود معین و منظم کرده و نخواسته است که از لحاظ حقوقی میان مقررات آن که به طور مثال در عقود بیع آمده، با مقررات تولید حد فاصلی بیندازد. دولت اسلامی با استفاده از اصل قانونی اختیارات دولت (منطقه الفراغ) با واسطه گری و هرگونه طفیلی گری در جریان تولید به خاطر آن که فاقد هر گونه محتوای تولیدی بوده و صرفاً به خاطر تحصیل سود [در قبال انتقال مالکیت] انجام می شود، و این تحمیل زیادی بر جامعه است، مبارزه می کند. پس از ورود پول به جریان فعالیت های اقتصادی، شهید صدر مشکل مهم تر را افزایش ثروت از طریق پول می داند که امروزه با نظام بانکداری ربوی تحقق یافته است؛ به عبارت دیگر، پول فقط وسیله ای برای اندوختن نیست، بلکه وسیله ای است برای افزایش ثروت؛ از طریق سودی که وام دهندگان از وام گیرندگان می گیرند، یا از طریق سودی که صاحبان پول، به علت سپردن پول خویش به بانک، از بانک دریافت می دارند. بدینسان، پول در جامعه سرمایه داری به جای تولید، سبب تمرکز ثروت می گردد و تا جایی که بازرگان اطمینان نداشته باشد که تولید و یا تجارت، درآمدی بیش از سودی که از وام دادن یا ودیعه گذاشتن به دست می آورد، عایدش می سازد، به هیچ گونه تولید و تجارتی دست نمی زند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

زمینه سازی برای گسترش آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت کیفی، تکامل دانش فنی، سرمایه گذاری های زیر بنایی مانند تحقیقات در علوم پیشرفته و... به عنوان عناصر رشد اقتصادی، از مسؤولیت های مهم دولت اسلامی است. نتایج حاصل از تخمین مدل رشد درون



زا با تاکید بر توسعه فناوری در اقتصاد ایران نشان می دهد سرمایه گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است ولی به لحاظ آماری معنی دار نبوده است که از یک طرف، به دلیل سرمایه گذاری اندک در فعالیت های تحقیق و توسعه و از طرف دیگر، رشد نامناسب برخی زیر ساخت های لازم از جمله، فعال نبودن بخش خصوصی کارآمد و مکفی نبودن سرمایه انسانی است. بدین ترتیب، با توجه به وضعیت موجود کل کشور و اهمیت و نقش محوری تحقیق و توسعه در رشد و توسعه اقتصادی کشور پیشنهاد می شود که برای ایجاد فضا، امکانات و شرایط مناسب برای توسعه فناوری موارد زیر در نظر گرفته شود:

- دولت باید زمینه ای را فراهم کند تا فرهنگ علم و فناوری در جامعه نهادینه شود و مردم آن را یکی از ضروریات زندگی خویش در نظر بگیرند.
- به منظور توسعه فناوری باید زیر ساخت ها و زیر بناها را فراهم ساخت، بالاخص به ایجاد شهرک های تحقیقاتی و صنعتی و پارک های علمی روی آورند.
- توجه خاص از سوی دولت به آموزش های تخصصی در زمینه فناوری و پرورش نیروی انسانی فناورانه.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- خلیلیان، محمد جمال (۱۳۸۴)، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رضایی، مجید. (۱۳۸۴)، جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴.
- صفوی، ر. و س. ح. صفوی (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر انتقال و توسعه فناوری در کشورهای در حال توسعه آسیایی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال اول، شماره ۵۰۶.
- موسویان، س. ع. (۱۳۸۳)، جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰.
- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاء، تهران، مکتب نشرالثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸-۱۴۱۰ ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.

امام سجاد، علی بن الحسین (ع)، صحیفه سجاده، جواد فاضل، تهران، امیرکبیر.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲ ش)، بحار الانوار، ج ۱۱۰، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۲ ش)، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ق)، کافی (اصول و فروع)، تهران، مکتبه الاسلامیه.

ب) لاتین

Quah, D.(2000). The Weightless New Economy. Economics Department LSE.

Quah, D.(2002). Technology Dissemination and Economic Growth: Some lessons for the New Economy. In Technology and the New Economy, ed. Chong –En Bai and Chi-Wa Yuen Cambridge: MIT Press Chapter 3, pp 95-156.

Quah, D.(2003). Digital Goods and the New Economy. Center for Economic Performance, London School of Economics and Political Science.

Pohjola, M.(2002). New Economy in Growth and Development. United Nation University DP. No 67.

Romer, P.(1990). Endogenous Technological Change, *Journal of Political Economy*, Vol 98, No 5.

Grossman, G. and E. Helpman, Innovation and Growth in the Global Economy, Cambridge: MIT Press, chapter 1-5.